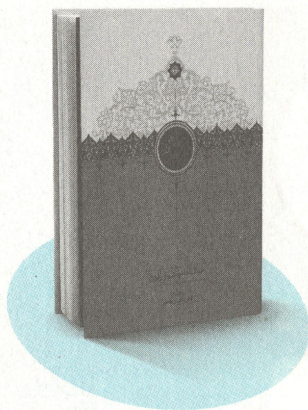




جمعی از
نویسندگان رود



جنگ‌نامه رستم و زنون

• آرش اکبری مفاخر

انتشارات موقوفات دکتر افشار

• چاپ اول ۱۴۰۰

• ۱۱۰۰ نسخه

• ۲۰۲ صفحه

• ۲۹۵ هزار تومان



از دل متن:

«دو نهند هزار سپاه ایران
از جان و زندگی خود
گذشتند... کیخسرو
... آنگاه با خاطری آسوده
روی بر خاک مالید و گفت:
ای خداوند نه چرخ و
آسمان‌ها

به فریادم رس که از روزگار
شر مسارم! اگر رستم نباشد،
پادشاهی من نیز نابود
است...»

ندا آمد: سر از خاک بردار که
رستم نجات یافته و زنون را از
هم می‌درد! (ص ۲۹۵).

رستم و زنون سومین داستان از دستنویس هفت‌لشکر گورانی، و از آثار ارزشمند حماسه‌های ایرانی به زبان گورانی و به تعبیر دیگر، داستانی از شاهنامه گورانی یا شاهنامه کردی است. متن گورانی براساس دستنویس کتابخانه آستان قدس رضوی تصحیح شده است. مصحح افزون بر تصحیح این دستنویس، با دشواری‌های خاص خود، متن گورانی را به فارسی برگردانده است. این متن در بردارنده متن گورانی، آوانگاری متن و ترجمه فارسی و یادداشت‌های جامعی درباره این داستان، جایگاه و خاستگاه اساطیری-حماسی و رگه‌های یونانی آن است. ابیاتی از متن گورانی در اینجا نقل خواهد شد و ترجمه فارسی برخی ابیات نیز در حاشیه خواهد آمد:

«دو نهند هزار، سپاه ایرانی

ژگیان و یردن، هم زندگانی

پری پیلتن، تمام خاک نه سر

نه کوس [و] نه نای، نه طبل [و] نه پر

زال زر یاوا، خسرو دی و چم

گریوا و زار، و اندوه ستم

عرض کرد: شهنشاه، آگاه بوژ پس

زال بود و قربان، نداروم نفس

نجات در اولاد، زال زر نه جنگ

فارغ بو رستم، نه عرصه گای تنگ

خسرو و خوش دماغ، وات: رستم مندن

یزدان زور [و] ذات، ونش نسندن

و خاطر جمعی، رومالا نه خاک

واتش: ای صاحب!، نه چرخ [و] افلاک

بیاوه و داد، خجالت ژ یام

ار رستم نبو، شاهی من تمام

دیده پراسرین، یک نیم فرسخ راه

برهنه پای، هم تاج [و] کلاه

ایرانی یکسر، افتاده خاک بین

دست و التجای، یزدان پاک بین

خسرو وات: پادشاه، شهنشاهان گشت»

(ص ۱۱۸)

